

مزد حداقل سال ۱۳۸۹:

گامی دیگر در تشدید استثمار مطلق کارگران

شورای عالی کار - مرکب از نمایندگان دولت سرمایه دار، نمایندگان مستقیم کارفرمایان و نمایندگان شوراهای اسلامی ضد کارگری^۱ - حداقل مزد برای سال ۱۳۸۹ را مبلغ ۳۰۳۰۴۸ تومان در ماه تعیین کرد.

در حالی این تصمیم فوق ریاضت کشانه که بی شباهت به نسخه مرگ تدریجی نیست بر کارگران تحمیل می شود که خط فقر برای یک خانواده ۴ نفره کارگری با محاسبه بسیار محتاطانه برای سال آینده بین ۶۵۰ و ۸۵۰ هزار تومان تخمین زده شده است، اما بر اساس داده های بانک مرکزی (سال ۸۷)، و در نظر گرفتن نرخ تورم سال ۸۸ و نرخ های محتمل تورم در سال آینده، خط فقر در تهران رقمی بین ۱.۲ تا ۱.۵ میلیون تومان در ماه خواهد بود^۲ (و در شهرستان ها ۱۰ تا ۳۰ درصد کمتر). نرخ تورم برای سال آینده - با در نظر گرفتن تورم ناشی از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها - بین حداقل ۳۷ درصد تا ۵۰ درصد یا بیشتر برآورد شده است^۳.

طبق ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی «شورای عالی کار همه ساله موظف است میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به معیارهای ذیل تعیین نماید:

۱- حداقل مزد کارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود.

۲- حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه ای باشد تا زندگی یک خانواده که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تأمین نماید.»

ارقامی که درباره حداقل لازم برای معیشت، سطح تورم قابل انتظار و افزایش اسمی مزد حداقل داده شدند نشان می دهند که سرمایه داری ایران و دولت جمهوری اسلامی حتی قوانین وضع شده خود را رعایت نمی کنند.

مزد حداقل اسمی و قدرت خرید کارگران

مزد حداقل ۳۰۳ هزار و ۴۸ تومان در ماه برای سال ۱۳۸۹ بیانگر ۱۵ درصد افزایش مزد اسمی نسبت به سال ۱۳۸۸ است. اما همان گونه که دیدیم نرخ تورم در سال آینده دست کم ۳۷ درصد پیش بینی می

شود. بدین سان در سال آینده قدرت خرید کارگرانی که امسال مزدی برابر حداقل سال ۸۸ (یعنی ۲۶۳ هزار و ۵۲۰ تومان) دریافت می کرده اند ۲۲ درصد [$22\% = 15\% - 37\%$] کاهش خواهد یافت، زیرا قیمت کالاها و خدمات مصرفی ۳۷ درصد بالاتر خواهد رفت. حتی اگر حق اولاد، کمک هزینه مسکن و بن اقلام مصرفی کارگری را هم در نظر بگیریم مبلغ دریافتی کارگران «حداقلی» - که اکثریت کارگران را تشکیل می دهند -، از ۳۹۳۶۰۰ تومان در ماه تجاوز نخواهد کرد که به معنی ۱۷ درصد افزایش مزد اسمی است و معادل از دست دادن ۲۰ درصد [$17\% - 37\%$] قدرت خرید در سال ۸۹ نسبت به سال ۸۸ خواهد بود. تازه این در مورد کارگران شاغل مشمول قانون کار است. باید دانست که همه کارگران از این به اصطلاح افزایش ۱۵ درصدی برخوردار نمی شوند. میلیون ها کارگر در ایران مشمول قانون کار نیستند، صدها هزار کارگر مهاجر و کارگرانی که به کار سیاه یا کار در کارگاه های خانگی اشتغال دارند و بیش از ۱.۵ میلیون کارگر خردسال - که اصولاً کارکردنشان با حداقل حقوق انسانی مغایرت دارد - از هرگونه حمایت قانونی در زمینه مزد و شرایط کار محرومند. زنان کارگر که مزدی کمتر از کارگران مرد برای کار یکسان دریافت می کنند وضعیت باز هم بدتری خواهند داشت.

شورای عالی کار، هم در سال گذشته و هم امسال، برای کارگرانی که مزدی بالاتر از مزد حداقل دریافت می کنند فرمول هائی در نظر گرفته است که به موجب آنها نرخ افزایش مزد اسمی این کارگران از نرخ افزایش مزد حداقل یعنی از 15% هم کمتر خواهد بود و این امر در دراز مدت به سوق دادن عمومی مزدهای بالاتر از حداقل به سوی مزد حداقل منجر خواهد شد.

سوق دادن عمومی مزدها و حقوق ها به سوی مزد حداقل

برطبق مصوبه شورای عالی کار، کارگرانی که مزدشان غیر از مزد حداقل باشد از آغاز سال ۱۳۸۸ افزایشی به میزان ۷ درصد آخرین مزد ثابت بر مبنای سال جاری به اضافه روزانه ۷۰۱ تومان دریافت خواهند کرد.

فرض کنیم مزد کارگری در سال ۱۳۸۸ ماهانه ۴۰۰ هزار تومان باشد. طبق این مصوبه، مزد این کارگر در سال ۱۳۸۹ برابر خواهد بود با :

$$\text{تومان } 449030 = (701) \cdot (30) + (1.07) \cdot (400000)$$

یعنی افزایش اسمی مزد این کارگر برابر ۴۹۰۳۰ تومان خواهد بود که معادل 12.25% مزد قبلی او است و نه 15% درصد. یعنی چنین کارگری تقریباً ۲۵ درصد [$12\% - 37\%$] قدرت خریدش را از دست خواهد داد.

می بینیم با این ترفند جمهوری اسلامی افزایش سطح عمومی مزد اسمی را حتی از ۱۵ درصد (که از نرخ قابل پیش بینی تورم در سال ۱۳۸۸ به میزان ۲۲ واحد درصدی کمتر است) باز هم پائین تر می آورد و مزدهای بالاتر از حداقل را به سمت مزد حداقل فرو می راند. بنابراین سیاست مزد در جمهوری اسلامی، سیاستی در جهت سوق دادن عمومی مزدها و حقوق ها به سوی مزد حداقل است.

استثمار مطلق طبقه کارگر در ایران

آنچه در بالا گفته شد نشان می دهد که وضع زندگی کارگران نسبت به وضع زندگی گذشته این طبقه سیر قهقرائی دارد. این وضعیت از نظر اقتصادی بیانگر **استثمار مطلق** کارگران توسط سرمایه داران (یا استثمار مطلق ارزش اضافی) است. استثمار مطلق ارزش اضافی با کاهش مطلق مزد واقعی (کاهش قدرت خرید) با افزایش ساعات کار روزانه برای مزد یکسان یا کمتر، با مزد کمتر به زنان کارگر نسبت به کارگران مرد در مقابل کار یکسان، با استثمار کارگران مهاجر که حتی در وضعیت حقوقی بدتری نسبت به کارگران بومی قرار دارند، با استثمار کار کودکان، با باز پس گرفتن دستاوردهای کارگران شاغل و یا بازنشسته، با کاهش بودجه های آموزش، بهداشت و دیگر خدمات عمومی و غیره و غیره نمودار می شود. استثمار مطلق ارزش اضافی غیر از استثماری است که در اثر بالا رفتن بارآوری کار و ثابت ماندن مزد واقعی (یا افزایش مزد واقعی به میزانی کمتر از افزایش بارآوری اجتماعی کار) در جامعه سرمایه داری شاهدش هستیم. در جامعه سرمایه داری، خواه در نوع پیشرفته آن مانند آمریکا، ژاپن و اروپای غربی و خواه در نوع عقب مانده اش مانند ایران، هر دو نوع استثمار (استثمار مطلق و استثمار نسبی ارزش اضافی یا استثمار در اثر بالا رفتن بارآوری کار) وجود دارند. در جوامع پیشرفته سرمایه داری، سرمایه داران اساساً (و نه صرفاً) بر روش استثمار نسبی - دست کم در سرزمین اصلی - تکیه می کنند و استثمار مطلق به طور عمده با صدور سرمایه به کشورهای که دارای نیروی کار ارزان هستند اعمال می گردد. البته در خود کشورهای پیشرفته نیز استثمار مطلق از طریق بهره کشی از کار زنان، کارگران مهاجر و کودکان، کار سیاه، کار در کارگاه های خانگی و غیره با مزدی کمتر از مزد عادی، طولانی کردن ساعات کار روزانه و سال های کار، باز پس گرفتن دستاوردهای کارگری و غیره وجود دارد. استثمار مطلق به ویژه در شرائط بحران اقتصادی - مانند وضعیت کنونی - تشدید می شود.

در ایران، چه در شرایط رونق و چه بحران اقتصادی، تکیه سرمایه داران (اعم از دولتی، شبه دولتی یا خصوصی) اساساً بر استثمار مطلق است و نه استثمار نسبی که مستلزم سرمایه گذاری در وسائل تولید مدرن، روش های تولید و سازماندهی کار جدید، تحقیق و توسعه و آموزش است. البته سرمایه داران ایران نیز مانند سرمایه داران دیگر کشورها از دستاوردهای صنعتی، فنی، اختراعات و نوآوری های مختلف (اعم از فنی یا سازمانی) برای استثمار بیشتر کارگران بهره می گیرند. اما به خاطر فراوانی نیروی کار

ارزان در ایران، قانونی بودن کار کودکان^۵، ضعف و یا نبود سازمان های کارگری مستقل، اختناق و سرکوب حاکم که اعتراضات کارگری را با خشونت و کشتار پاسخ می دهد، عقب ماندگی علمی و فرهنگی - به ویژه فرهنگ صنعتی - که رژیم سیاسی حاکم مظهر آن است، وزن بالای تولید خرد و روش های تولید کهن متناظر آن در اقتصاد کشور و غیره، استثمار مطلق «بیشتر صرف می کند». در حالی که در جوامع پیشرفته سرمایه داری اساساً به دلیل مقاومت کارگران و تشکل های کارگری (به رغم همه ضعف ها و انحرافات که در این تشکل ها مشاهده می شود) و نیز به دلیل رشد بالای وسایل و روش های نوین تولید، وجود قوانین و مقرراتی که حداقل هائی را از نظر مزد، شرایط کار، بیمه، بازنشستگی و غیره برای کارگران به طور نسبی تأمین می کند و بازگشت به شرایط عقب مانده کهن را مشکل می سازند، تکیه اصلی سرمایه داران بر استثمار مطلق نیست و در این جوامع - دست کم در شرایط عادی - استثمار نسبی ارزش اضافی یعنی تشدید استثمار در اثر افزایش بارآوری کار «بیشتر صرف می کند».

اینکه در ایران تکیه اساسی سرمایه داران بر استثمار مطلق ارزش اضافی است بدین معنی نیست که استثمار براساس افزایش بارآوری کار وجود ندارد. افزایش بارآوری کار در شیوه تولید سرمایه داری باعث کاهش زمان کار لازم (یعنی آن مقدار از کار کارگر که به مصرف پرداخت مزد او می رسد) و در نتیجه افزایش کار اضافی (کار پرداخت نشده که سرمایه دار تصاحب می کند) می گردد. بارآوری کار کارگران ایران - به ویژه کارگران واحدهای بزرگ تولیدی - روندی افزایشی دارد که ثمره آن به جیب سرمایه داران می رود. جدول های زیر به ترتیب شاخص کل تولید در کارگاه های دارای ۱۰۰ نفر کارکن و بیشتر و شاخص کل اشتغال کارکنان کارگاه های دارای ۱۰۰ کارکن و بیشتر را نشان می دهند.

شاخص کل تولید کارگاه های بزرگ صنعتی به تفکیک سه ماهه در سال های مختلف					
(۱۳۸۳=۱۰۰)					
سال	سه ماهه اول	سه ماهه دوم	سه ماهه سوم	سه ماهه چهارم	کل
۱۳۸۳	۸۵,۷	۹۸,۹	۱۰۴,۹	۱۱۰,۵	۱۰۰,۰
۱۳۸۴	۱۰۲,۵	۱۰۹,۸	۱۱۳,۰	۱۲۶,۳	۱۱۲,۹
۱۳۸۵	۱۰۷,۳	۱۲۱,۶	۱۲۷,۳	۱۳۶,۵	۱۲۳,۲
۱۳۸۶	۱۲۲,۹	۱۳۲,۹	۱۴۰,۵	۱۴۹,۵	۱۳۶,۵
چارچوب آماری، کارگاه های دارای ۱۰۰ نفر کارکن و بیشتر را شامل می شود					

شاخص کل اشتغال کارکنان کارگاه های بزرگ صنعتی به تفکیک سه ماهه در سال های مختلف					
(۱۳۸۳=۱۰۰)					
سال	سه ماهه اول	سه ماهه دوم	سه ماهه سوم	سه ماهه چهارم	کل
۱۳۸۳	۹۹,۶	۹۹,۷	۱۰۱,۳	۹۹,۴	۱۰۰,۰
۱۳۸۴	۹۷,۵	۹۷,۴	۹۸,۴	۹۷,۲	۹۷,۶
۱۳۸۵	۹۵,۱	۹۵,۲	۹۶,۱	۹۵,۶	۹۵,۵
۱۳۸۶	۹۵,۱	۹۵,۴	۹۶,۴	۹۵,۵	۹۵,۶

چارچوب آماری، کارگاه های دارای ۱۰۰ نفر کارکن و بیشتر را شامل می شود

(منبع: مرکز آمار ایران)

دیده می شود که با آنکه در سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ شاخص تولید از ۱۰۰ به ۱۳۶.۵ رسیده شاخص کل کارکنان این کارگاه ها از ۱۰۰ به ۹۵.۶ کاهش یافته است. این بدان معنی است که تولید سرانه (به قیمت ثابت) در طول این سال ها به میزان $۴۲.۸\% = ۱۰۰\% \cdot [۱ - (۹۵ : ۱۳۶.۵)]$ افزایش پیدا کرده است. افزایش تولید سرانه کارکنان به معنی افزایش بارآوری کار است. اگر صرفاً شمار کارکنان مولد در نظر گرفته شود این نسبت باز هم بیشتر خواهد شد. این نشانگر آن است که در ایران، هم روش استثمار مطلق و هم روش استثمار نسبی ارزش اضافی عمل می کنند. این دو شیوه از نظر استثمار بودن فرقی باهم ندارند. اما استثمار مطلق نه تنها از نظر اقتصادی بلکه از دیدگاه سیاسی، فرهنگی و اخلاقی نیز کارگران را در وضعیت عقب مانده تر و ضعیف تری نگه می دارد و در نتیجه رشد مبارزات کارگری را کند یا متوقف می کند. یکی از علل عینی مهم این واقعیت که وزن سیاسی و فرهنگی طبقه کارگر در ایران در مقابل نقش حیاتی اقتصادی این طبقه بسیار ناچیز است همین استثمار مطلق است. فقر روزافزون و پائین بودن سطح مزدها باعث می شوند کارگران به دنبال کار دومی علاوه بر کار معمولی خود باشند و این امر موجب می گردد دائماً در تلاش معاش باشند و وقتی برای اندیشیدن به وضع خود و چاره جوئی اجتماعی و سیاسی و ارتقای سطح فرهنگی و آگاهی خود پیدا نکنند. از سوی دیگر ترس از بیکاری، عدم اطمینان به آینده و ناامنی موجب شده است که کارگران به شرایط نامناسب کار و استثمار مطلق تن دهند.

فقر کارگران و تورم در سی و یک سال حیات جمهوری اسلامی

جدول زیر، حداقل مزد اسمی (تومان در ماه) و نرخ تورم را در سال های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۹ نشان می دهد.

حداقل مزد اسمی و تورم در سال های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۸

سال	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵
حداقل مزد	۱۷۰۱	۱۹۰۵	۱۹۰۵	۱۹۰۵	۱۹۰۵	۱۹۰۵	۲۱۶۰	۲۱۶۰
تورم	۱۱.۴۰%	% ۲۳.۵	% ۲۲.۸	% ۱۹.۲	% ۱۴.۸	% ۱۰.۴	% ۶.۹	% ۲۳.۷
سال	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳
حداقل مزد	۲۲۸۰	۲۴۹۰	۲۴۹۰	۳۰۰۰	۵۰۳۱	۶۸۰۱	۸۹۸۲	۱۱۶۸۲
تورم	% ۲۷.۷	% ۲۸.۹	% ۱۷.۴	% ۹.۰	% ۲۰.۷	% ۲۴.۴	% ۲۲.۹	% ۳۵.۲
سال	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱
حداقل مزد	۱۵۹۹۹	۲۰۷۲۱	۲۵۴۴۶	۳۰۱۵۳	۳۶۱۸۳	۴۵۸۰۱	۵۶۷۹۰	۶۹۸۴۶
تورم	% ۴۹.۴	% ۲۳.۰	% ۱۷.۳	% ۲۰.۰	% ۲۰.۴	% ۱۲.۶	% ۱۱.۴	% ۱۵.۸
سال	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
حداقل مزد	۸۵۳۳۸	۱۰۶۶۰۰	۱۲۶۶۷۸	۱۵۰۰۰۰	۱۸۳۰۰۰	۲۱۹۶۰۰	۲۶۳۵۲۰	۳۰۳۰۴۸
تورم	% ۱۵.۶	% ۱۵.۲	% ۱۰.۴	% ۱۱.۹	% ۱۸.۴	% ۲۵.۹	% ۱۹	% 307

(منبع: آمارها و اسناد مختلف وزارت کار و بانک مرکزی)

دیده می شود که طی سال های طولانی ۵۹ تا ۶۳ و ۶۷ تا ۶۸ مزد اسمی هیچ افزایش پیدا نکرده در حالی که در این سال ها نرخ های تورم بالائی بر اقتصاد ایران حاکم بوده است. در سال های ۷۰، ۷۱ و ۷۲ افزایش مزد اسمی از نرخ تورم بیشتر است اما در سال ۷۳ و ۷۴ دوباره نرخ تورم از نرخ افزایش مزد اسمی پیشی می گیرد. در سال های ۷۵ و ۷۶ افزایش مزد اسمی از نرخ تورم بیشتر است در سال ۷۷ افزایش مزد اسمی برابر نرخ تورم است و در سال های ۷۸ تا ۸۵ شاهد افزایش بیشتر مزد نسبت به تورم هستیم. از سال ۸۶ به بعد دوباره نرخ تورم از افزایش اسمی مزد حداقل پیشی می گیرد.

نکته بسیار مهمی که باید در نظر داشت این است که در ایران حتی اگر نرخ افزایش مزد اسمی بیش از نرخ تورم باشد (یعنی حتی اگر مزدهای واقعی افزایش یابند)، اگر تورم در سطح پائینی مهار شود یا حتی صفر گردد، این امر به معنی بیرون رفتن کارگران از دایره فقر نیست. علت فقر کارگران تورم نیست تا با از میان رفتن یا مهار آن فقر از میان برداشته شود. البته تورم باعث افزایش فقر و وخامت بیشتر وضع زندگی کارگران می شود، اما رفع آن به معنی از میان رفتن فقر نیست. همان گونه که سال ها است در اروپا، آمریکا و ژاپن شاهد مهار شدن تورم در سطح پائینی هستیم اما به رغم آن فقر کارگران در این کشورها تشدید می گردد و گسترش می یابد.

گفتیم که حتی افزایش مزدهای واقعی در ایران فقر کارگران را از بین نمی برد. برای روشن شدن موضوع، مورد ایران را در نظر می گیریم. دیدیم که بنا به ارقام رسمی خط فقر برای سال ۱۳۸۸، مبلغ ۸۵۰ هزار تومان در ماه است. این رقم ۳.۲۲ برابر میزان حداقل مزدی است که برای سال ۱۳۸۸ تعیین شده است (یعنی ۳.۲۲ برابر ۲۶۳۵۲۰ تومان). حال فرض کنیم حداقل مزد کارگران هر سال ۶ درصد علاوه بر نرخ تورم افزایش یابد یعنی افزایش خالص یا افزایش واقعی قدرت خرید کارگرانی که مزد حداقل دریافت می کنند ۶٪ در سال باشد (یعنی مثلاً افزایش مزد اسمی بجای ۱۵٪ برابر ۴۳٪ باشد) و این روند ادامه یابد. البته این فرض بسیار خوشبینانه است چون در جامعه سرمایه داری بسیار به ندرت اتفاق می افتد که مزد واقعی کارگران در طول سال های متوالی به نرخ ثابت بالائی افزایش یابد. با این فرض خوشبینانه بیش از ۲۰ سال طول می کشد تا مزد حداقل کارگران ایران به خط فقر کنونی برسد!^۷ البته در آن هنگام باز هم مزد حداقل از خط فقر آن زمان پائین تر خواهد بود زیرا سطح نیازها و معیارهای زندگی پس از ۲۰ سال بالاتر از معیارهای کنونی خواهند بود. به عبارت دیگر کارگران همواره چند فاز عقب خواهند بود. تازه در این مثال فرض کرده ایم که دستاوردهای کارگران حفظ و بر یکدیگر افزوده شوند. در حالی که در کشاکش مبارزه طبقاتی و به ویژه در بحران های اقتصادی دستاوردهای کارگران ممکن است پس گرفته شوند و غالباً پس گرفته می شوند.

معنی این حرف این نیست که پس نباید برای افزایش مزد مبارزه کرد. معنی آن این است که هیچ نوع تغییر تدریجی یا اصلاح طلبانه، دگرگونی واقعی و چشمگیری در وضع کارگران ایجاد نمی کند. معنی آن این است که کارگران هیچ آینده ای در نظام کار مزدی ندارند. هدف سرمایه داری که بر استثمار کار مزدی متکی است نه بهبود وضع کارگران، بلکه استثمار هرچه بیشتر ارزش اضافی از آنها است. هدف کارگران- اگر می خواهند از استثمار بردگی کار مزدی و وابستگی به سرمایه داران و نهاد های سرمایه داری آزاد شوند - باید محور نظام سرمایه داری و کار مزدی باشد. اما این هدف، یک روزه یا در یک مبارزه یا در یک مرحله به دست نمی آید. برای دست یابی بدان باید در درجه اول نظام سیاسی و اداری سرمایه داری، دستگاه دولتی سرمایه داری، درهم شکسته شود و قدرت سیاسی کارگری، دولت کارگری یا شوراهای کارگران و زحمتکشان، متکی بر کارگران و زحمتکشان مسلح، جای آن را بگیرد، باید نظام مالکیت خصوصی و سائل تولید جای خود را به مالکیت اجتماعی و سائل تولید بدهد و تولید برای سود از میان برود و تولید اجتماعاً تنظیم شده مولدان آزاد و متحد بر اساس نقشه ای که شکوفائی همه استعداد های فکری و بدنی و همه توانائی های مادی و معنوی افراد جامعه و رفاه هرچه بیشتر مردم را در مد نظر داشته باشد با مدیریت کارگری استقرار یابد. تنها در چنین نظامی، یعنی در سوسیالیسم، استثمار و کار مزدی از میان می روند.

در شرائط کنونی ایران که نظام سرمایه داری با بحران سیاسی و اقتصادی شدید و پیچیده ای روبرو است بورژوازی بوروکرات - نظامی حاکم بر ایران برای برون رفت از بحران و ادامه استثمار طبقه کارگر و زحمتکشان از یک سو به سرکوب، کشتار و اختناق و از سوی دیگر به تشدید هرچه بیشتر استثمار و انداختن بیشتر بار بحران بر دوش طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان روی آورده است. مبارزه کارگران نیز باید به ضد این نظام در همه عرصه ها، به ویژه عرصه های سیاسی و اقتصادی ادامه یابد و شدت گیرد. هر قدر در برابر نظام وحشیانه سرمایه داری و در برابر حکومت خونخوار و مرتجع جمهوری اسلامی تمکین و تسلیم و اطاعت صورت گیرد، این رژیم در استثمار و سرکوب، در تجاوز و پایمال کردن بیشتر حقوق کارگران و توده های مردم، در گسترش اختناق و سانسور، در پیشبرد سیاست ارتجاعی داخلی و خارجی خود گستاخ تر خواهد بود و مردم را به ذلت بیشتری خواهند کشاند.

کارگران!

نظام سرمایه داری و کارگران سیاسی و حکومتی اش با تحمیل مزد حداقلی که چیزی جز کاهش شدید قدرت خرید و فروکشاندن کارگران به پرتگاه های عمیق فقر مطلق نیست، می خواهند از یک سو تاوان تبهکاری ها و خرابکاری های اقتصادی و سیاسی شان را از شما بازستانند و از سوی دیگر آخرین رمق های حیاتی تان را برای انباشن بیشتر ثروت و سرمایه و ادامه استثمار بیشتر و گسترده تر بگیرند و شما را بیش از پیش اسیر و وابسته به خود نگاه دارند.

نبرد برای افزایش واقعی مزدها، در مقابله با این یورش هولناک حکومت اسلامی به سطح زندگی فقیرانه کارگران، یک جبهه بزرگ مبارزه را تشکیل می دهد که پیروزی در آن پشتوانه ای برای گام های بعدی است. روشن است که مبارزات اقتصادی و اجتماعی عمومی و همیشگی کارگران مانند مقابله با بیکارسازی، بهبود شرائط کار، بیمه بیکاری برای همه کارگران بیکار، برابری مزد زنان و مردان در مقابل کار مساوی و امکان برابر در استخدام، ممنوعیت کار کودکان، اشتغال و تصدی مسؤلیت ها، و نیز مبارزه برای حق تشکل مستقل کارگری، حق اعتصاب، راه پیمائی و تحصن و غیره اهمیت خود را حفظ می کنند و بیکار برای خنثی کردن و لغو مصوبه شورای عالی کار در زمینه مزد حداقل، مبارزات دیگر را نه تنها کنار نخواهد زد بلکه تقویت خواهد نمود.

مبارزه برای آزادی های سیاسی و حقوق دموکراتیک توده های مردم، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، آزادی مطبوعات، برابری زنان و مردان در همه عرصه ها، مبارزه برای جدائی دین از دولت، حقوق و آموزش، مبارزه با شوینیسیم و نظامی گری، مبارزه برای برابری ملت های ساکن ایران و حق

آنها در تعیین سرنوشت خود، یک رشته از سرفصل های اصلی مبارزه سیاسی عمومی را تشکیل می دهند که طبقه کارگر باید در همه این زمینه ها سیاست مستقل خود را داشته باشد.

در بستر این مبارزات بزرگ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، باید آگاهانه به پی ریزی تشکل های مستقل کارگری که حزب سیاسی طبقه کارگر و سندیکاهای صنعتی کارگران مزدی در همه عرصه های تولید و خدمات است، پرداخت.

سهراب شباهنگ

۲۵ اسفند ۱۳۸۸، ۱۶ مارس ۲۰۱۰

www.aazarakhsh.org

azarakhshi@gmail.com

www.azarakhshblog.blogspot.com

-
- ^۱ - طبق ماده ۱۶۷ قانون کار جمهوری اسلامی ترکیب «شورای عالی کار» چنین است: «در وزارت کار و امور اجتماعی شورائی به نام شورای عالی کار تشکیل می شود. وظیفه شورا انجام کلیه تکالیفی است که به موجب این قانون و سایر قوانین مربوطه به عهده آن واگذار شده است. اعضای شورا عبارتند از:
- الف - وزیر کار و امور اجتماعی که ریاست شورا را به عهده خواهد داشت.
- ب- دو نفر از افراد بصیر و مطلع در امور اجتماعی و اقتصادی به پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی و تصویب هیأت وزیران که یک نفر از آنان از اعضای شورای عالی صنایع انتخاب خواهد شد.
- ج- سه نفر از نمایندگان کارفرمایان (یک نفر از بخش کشاورزی) به انتخاب کارفرمایان.
- د- سه نفر از نمایندگان کارگران (یک نفر از بخش کشاورزی) به انتخاب کانون شوراهای اسلامی کار.
- شورای عالی کار از افراد فوق تشکیل که به استثنای وزیر کار و امور اجتماعی بقیه اعضای آن برای مدت دو سال تعیین و انتخاب می گردند و انتخاب مجدد آنان بلا مانع است.»
- (به موجب «تصویب نامه عضویت وزیر تعاون یا نماینده وی در مجامع و شوراها» مصوب ۱۳۷۱/۵/۴ وزیر تعاون یا نماینده وی به عنوان یکی از دو نفر نماینده دولت در شورای عالی کار تعیین شده است.)
- با توجه به اینکه دولت خود بزرگترین کارفرمای اقتصادی کشور است به سادگی دیده می شود که حتی اگر به اصطلاح نمایندگان کارگران در شورای عالی کار از حقوق کارگران دفاع کنند اکثریت مطلق این شورا را کارگزاران سرمایه تشکیل می دهند. ضمن اینکه بر همه روشن است کسانی که به اسم نماینده کارگران در شورای عالی کار شرکت داده می شوند مزدوران دولت جمهوری اسلامی اند.
- ^۲ - فریبرز رئیس دانا در مقاله «مزد حداقل و فقر کارگری» نوشته شده در ۲۱ اسفند ۱۳۸۸، خط فقر یا نزدیک به خط فقر را بین ۶۵۰ و ۸۵۰ هزار تومان در مناطق شهری پیش بینی کرده است.

بر اساس برآورد بانک مرکزی خط فقر در شهرهای بزرگ در سال ۱۳۸۷ برابر ۷۸۰ هزار تومان بوده است. با توجه به رقم تورم در سال ۱۳۸۸ و پیش بینی تورم در سال ۱۳۸۹، خط فقر در تهران احتمالاً به رقمی بین ۱.۲ تا ۱.۵ میلیون تومان در ماه خواهد رسید.

آنچه در بالا گفته شد با تخمین حسین راغفر هم جهت است: به گفته او خط فقر برای یک خانوار ۵ نفره در شهر تهران براساس آخرین آمار رسمی سال ۸۶، افزایش ۲۰ درصدی تورم در سال ۸۷ و اضافه کردن رقم تورم سال ۸۸ و نیز تورم انتظاری در سال ۱۳۸۹ حداقل به بالاتر از رقم یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان افزایش می یابد. منبع:

http://insideofiran.com/index.php?option=com_content&view=article&id=8524:1388-12-09-11-11-33&catid=37:1388-07-19-16-50-49&Itemid=61

۳ - احمد توکلی در نامه اخیرش به مجلس (سایت الف ۲۳ اسفند ۱۳۸۸) نوشته است: «مقامات بانک مرکزی در ملاقات با رییس جمهور برای ارائه گزارش، اخیراً تورم ناشی از درآمد ۲۰ هزار میلیارد تومانی را ۲۵.۴ درصد گزارش کرده اند.»

با توجه به اینکه بانک مرکزی تورم سال ۱۳۸۹ را - جدا از آثار تورمی ناشی از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها - حدود ۱۱ درصد پیش بینی کرده است، حداقل تورم قابل پیش بینی برای سال ۱۳۸۹ برابر ۳۶.۴ درصد خواهد شد.

به نوشته روزنامه بهار (۲۵ اسفند ۱۳۸۸)، «محاسبات آماری بر اساس گزارش های درآمد و هزینه بانک مرکزی و پیش بینی های مختلف مسوولان دولتی و نمایندگان مجلس و کارشناسان نشان می دهد به طور متوسط هزینه خانوار ۳۳۹ هزار تومان [در ماه] افزایش می یابد در حالی که یارانه نقدی در خوشبینانه ترین حالت ۶۴ هزار تومان معادل ۱۹ درصد از این افزایش هزینه را جبران می کند.»

۴ - سال گذشته مصوبه شورای عالی کار در این مورد افزایشی به میزان پنج درصد آخرین مزد ثابت بر مبنای سال جاری به اضافه روزانه یک هزار و ۹۸ تومان بود. اگر فرمول پیشین با مزد فعلی ۴۰۰ هزار تومان انجام می شد می بایست مزد او در سال آینده برابر ۴۵۲۹۴۰ تومان در ماه باشد که از ۴۴۹۰۳۰ تومان بیشتر است. یعنی فرمول امسال از سال پیش هم بیشتر به زیان کارگران است. «کارشناسان بصیر» جمهوری اسلامی، این مزدوران حقیر سرمایه برای خالی کردن هرچه بیشتر کیسه کارگران دست به «نوآوری» در فرمول دزدی و جیب بری زده اند!

۵ - رژیم حاکم بر ایران، نیروی کار را با جمعیت ۱۰ تا ۶۵ ساله تعریف می کند.

۶ - اخیراً در آمارهای رسمی تورم سال ۱۳۸۸ برابر ۱۳.۵ درصد اعلام شده است اما با توجه به داده های ماهانه بانک مرکزی در مورد تورم سال ۸۸، رقم ۱۹ یا ۲۰ درصد که از سوی شماری از اقتصاد دانان اعلام شده به واقعیت نزدیک تر به نظر می رسد.

۷ - فرض می کنیم نرخ افزایش مزد حداقل ۶٪ بالاتر از نرخ تورم باشد و هر سال مزد حداقل با این نرخ (یعنی با قدر نسبت ۱.۰۶) به طور تصاعدی افزایش یابد. اگر پس از n سال مزد حداقل به سطح خط فقر سال ۱۳۸۸ یعنی ۸۵۰ هزار تومان برسد باید داشته باشیم:

$$(۲۶۳۵۲۰).(1.06)^n = ۸۵۰۰۰۰$$

جواب این معادله $n \approx ۲۰$ است. اگر افزایش مزد حداقل را بجای ۶٪ معادل ۸٪ بالاتر از نرخ تورم بگیریم در این صورت $n \approx ۱۵$ خواهد بود.